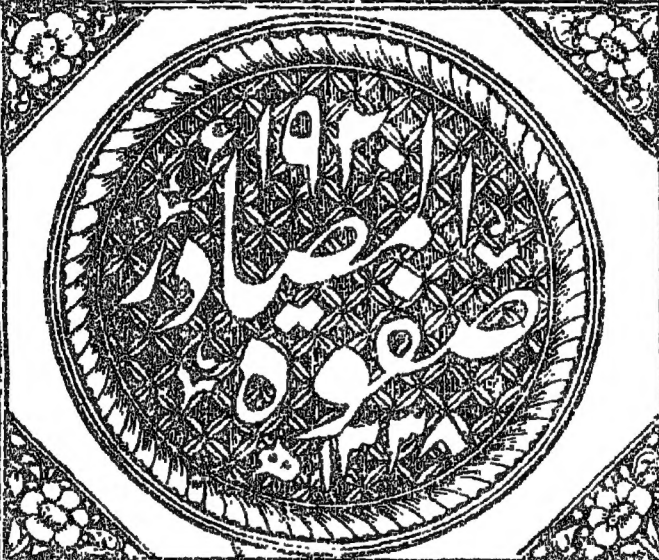


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طبع و نشر

بسم الله الرحمن الرحيم

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

بعد حمدایز و غفار و صلوة و سلام بر تیدا یرا و آل اطهار و صاحب خیار سیگوار
 مغفرت ایزد منان محمد مصطفی خان خلعتاچی محمد روشن خان افغانا
 جلالة کمال الایمان که چون خواندن کتب فارسیه حصول استفاد و ترجمه عباد
 و خطوط نویسی موقوف بر دانشن معانی و مصادر و قوت اشتقاق صیغرا
 چند مصادر مشهوره مع معانی متعارفه و صرفت مغیر ضروری هر یک به ترتیب
 تبیی بطرز مغرب در جداول خوش اسلوب جمع نموده صفوة المصادر نام نهاده
 کنیزیک مصدر لازم و دیگری متعدی هم بطریق نموده بیان کردم تا اطلاق را
 تمام بسوء استخراج نموده اشتقاق صیغرا بهر شود و یاد کاری بدست آرد
 خاکسار ماند و الله المستعان و علیه التکلان و لا حول الا بقوة الله العلی

باب الالف						
صدا لازم	جواب	صرف کبیر	حاصل مصدر	اوستی		
مماهی مشتقا	مشتاق	مشتاق	مشتاق	مشتاق	مشتاق	
ضمی مطلق	آمد	آمدی	آید	آیدم	آیدیم	
ضمی قریب	آمده است	آمده اند	آمده اند	آمده اند	آمده ایم	
ضمی معید	آمده بود	آمده بودند	آمده بودند	آمده بودند	آمده بودیم	
ضمی التزام	آمده آید	آمده آید	آمده آید	آمده آیدم	آمده آیدیم	
ضمی تمالی	آمده باشد	آمده باشند	آمده باشند	آمده باشند	آمده باشیم	
ضمی متنالی	آید	آید	آید	آید	آید	
ضارع	آید	آیند	آئی	آیند	آئیم	
حال	می آید	می آیند	می آئی	می آیند	می آئیم	
مستقبل	خواهد آمد	خواهند آمد	خواهی آمد	خواهند آمد	خواهیم آمد	
امر	بیاید	بیایند	بیا	بیایند	بیایم	
نهی	نیاید	نیایند	میا	نیایند	نیایم	
نیم فاعل	آینده	آیندگان				

بهر	بهر	بهر	بهر	بهر	بهر	بهر	بهر
بخشودن	بخشنا	بخشاش	بخشود	می بخشاید	بخشای	بخشانید	بخشود
بخشیدن	بخشنا	بخشش	بخشید	می بخشید	بخش	بخشنده	خط بخش
برآمدن	برآمد	برآمد	برآمد	برمی آید	برآید	برآینده	برآمده
برآوردن	برآورد	برآورد	برآورد	برمی آورد	برآورد	برآورنده	برآورده
برداشتن	آشنا	برداشت	برداشت	برمی دارد	بردار	بردارنده	برداشته
برون	لیحانا	برو	برو	می برو	ببر	برنده	برده
برداشتن	بهرت	برداشت	برداشت	برمی برد	بربرد	بربرنده	بربرده
برگشتن	بهرنا	برگشت	برگشت	برمی گردد	برگردد	برگرفته	برگشته
برگردیدن	کاشنا	برگرد	برگرد	می برگرد	بربرگرد	بربرگردنده	بربرگردیده
بستن	بند	بست	بست	می بندد	ببندد	ببندنده	ببسته
بودن	بود	بود	بود	می باشد	باش	باشنده	باشوده
بوسیدن	بوس	بوسید	بوسید	می بوسد	ببوسد	ببوسنده	ببوسیده
بخشیدن	بخشنا	بخشش	بخشید	می بخشید	بخش	بخشنده	بخشیده
بوسیدن	بوس	بوسید	بوسید	می بوسد	ببوسد	ببوسنده	ببوسیده
باب نهم در فارسی							
پاریدن	پارید	پارید	پارید	می پارید	پارید	پارینده	پاریده
پاشیدن	پاش	پاشید	پاشید	می پاشید	پاش	پاشنده	پاشیده
پالودن	پالود	پالود	پالود	می پالود	پالود	پالودنده	پالوده

[illegible]

مصد	مضی مصدر	حک مصدر	حک مصدر	حک مصدر	حک مصدر	حک مصدر	حک مصدر
بیمودن	نایا	پیمایش	پیمود	می پیماید	پیمای	پیمانده	باد پیماید
پیمودن	لنایا	پیموند	پیموست	می پیموند	پیموند		پیموست
باب نای فوقانی							
مناختن	دو دو نا	تریش	ناخت	می نازد	تناز	نازنده	یکه تاز
مناختن	چینا چینا	بناشتاب	ناخت	می ناید	تناب	تابنده	تابان
تپیدن	ترینا	تیش	تپیدن	می تپد	تپ	تپنده	تپان
تراشیدن	چیلنا		تراشید	می تراشد	تراش	تراشنده	موتراش
تراویدن	شکنا	تراوش	تراش	می تراوید	تراو	تراونده	تراوید
ترسیدن	ترنا	ترس	ترسیدن	می ترسد	ترس	ترسنده	ترسان
ترکیدن	ترق هونا		ترکید	می ترکد	ترک	ترکده	ترکیده
لغتن	گرم هونا		لغنت				لغته
لغسیدن	گرم هونا		لغسید	می لغسد	لغسد	لغسده	لغسان
تنبیدن	تننا	توانست	تنبید	می تند	تند	تند	تنبیده
توانستن	سکنا	توانان		می تواند	تواند	توان	
باب سیم عربی							
جستن	کودنا	جست	جست	می جهد	جهد	جهد	جهان
جستن	وودنا	جایی	جاست	می جوید	جود	جود	جریان
جنبیدن	لنا	جیش	جند	می جند	جند	جند	جند

نجد	منی صدر	حاصل صدر	طریق صدر	احی صدر	حال	ار	احم فاعل ثانی	ایم فاعل ثانی	ایم فاعل
جویشیدن	ابنا	جویش	جوشانیدن	جوشیدن	می جوشد	جوش	جوشده	جوشان	جوشیده
باب بیستم فارسی									
چربیدن	خالی		چربیدن	می چربد	چرب	چربده			چربیده
چربیدن	چرنا	چرا	چربیدن	می چرند	چر	چرند			چربیده
چسبیدن	چسبنا	چسبید	چسبیدن	می چسبد	چسب	چسبده	چسبان		چسبیده
چشیدن	چشنا	چاشنی	چشانیدن	می چشد	چش	چشده	چش		چشیده
چکیدن	چکنا	چکش	چکانیدن	می چکد	چک	چکده	چک		چکید
چمبیدن	چمنا	چمش	چمانیدن	می چمد	چم	چمند	چمان		چمبیده
چمیدن	چمنا		چمیدن	می چمید	چمین	چمینده	چم		چمیده
باب سی و نهم									
خاریدن	بخلانا	خارش		می خارد	بخار	خارنده	پشت خار		خاریده
خاستن	آشنا			می خیزد	بخیز	خیزنده	بخیز		خاسته
خائیدن	چبانا			می خایند	بخاست	خاینده	خاسته		خاییده
خراشیدن	چیلنا	خراش		می خراشد	بخراش	خراشده	سمع خراش		خراشیده
خرامیدن	کودک خرام	خرام		می خرامد	بخرام	خرامنده	خرام		خرامیده
خروشنیدن	شورکرتا	خروش	خروشنیدن	می خروشد	بخروش	خروشنده	خروشان		خروشنیده
خردیدن	مولانیا	خردید		می خرد	بخرد	خردده	خرد		خردیده
خوشیدن	آشنا			می خورند	بخور	خورنده	خورند		خوشیده

معد	منی معد	حاصل معد	حالت معد	حالت	امر	امر حاصل منی	امر فصول
خسخت	زنجی بودا	خستگی	خست	خست		خسته	خسته
خفتن	سونا	خفت	خیانیدن	می خسید	خفتن	خسیده	خسیده
خلییدن	چینا	خارش	خلانیدن	می خلد	خلیدن	خلیده	خلیده
خموشدین	چینا	خوشی	خموشایدن	می خموشد	خموشدن	خموشیده	خموشیده
خمیدن	نیرشاهونا	خمیدگی	خمانیدن	می خمید	خمیدن	خمیده	خمیده
خنبیدن	تالی جانا		خنبانیدن	می خنبید	خنبیدن	خنبیده	خنبیده
خندیدن	هیننا	خنده	خندانیدن	می خندید	خندیدن	خندیده	خندیده
خوابیدن	سونا	خواب	خوابانیدن	می خوابید	خوابیدن	خوابیده	خوابیده
خواستن	چاهنا	خواست	خواستن	می خواست	خواستن	خواستیده	خواستیده
خواندن	پرمنا بلانا		خواندن	می خواند	خواندن	خوانده	خوانده
خوردن	کمانا	خورد	خورانیدن	می خورد	خوردن	خورده	خورده
خوشیدن	سوکنا		خوشانیدن	می خوشید	خوشیدن	خوشیده	خوشیده
خسیدن	ترهونا		خسیانیدن	می خسید	خسیدن	خسیده	خسیده
باب دال محله							
دادن	دینا	دادش	دایانیدن	می دادر	دادن	داده	داده
داشتن	رکنا	داشت	داشتن	می دادر	داشتن	داشته	داشته
داشتن	جانا	داشت	داشتن	می دادر	داشتن	داشته	داشته
دخشدین	چکنا	دخش	دخشانیدن	می دخشد	دخشدین	دخشیده	دخشیده

مصدر	مصدر	مصدر	مصدر	مصدر	مصدر	مصدر	مصدر	مصدر	مصدر
رفتن	جانچلنا	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن
رفتن	بهارنا	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن	رفتن
رفیقیدن	ناچنا	رفیق	رفیق	رفیق	رفیق	رفیق	رفیق	رفیق	رفیق
رسیدن	بهاگنا	رم	رمانیدن	رسیدن	رم	رمانیدن	رسیدن	رم	رمانیدن
رنجیدن	اندره هوا	رنجش	رنجانیدن	رنجید	رنجید	رنجید	رنجید	رنجید	رنجید
رویدن	آگنا		روانیدن	روید	روید	روید	روید	روید	روید
رهیدن	چوٹنا	رهانی	رهانیدن	رهید	رهید	رهید	رهید	رهید	رهید
رنجیدن	چھوٹنا	رنجش	رنجانیدن	رنجید	رنجید	رنجید	رنجید	رنجید	رنجید
ریدیدن	هکنا		ریدیدن	رید	رید	رید	رید	رید	رید
رئیدیدن	کاتنا		رئیدیدن	رئید	رئید	رئید	رئید	رئید	رئید

باب الفع

زادن	جننا		زاد						
زائیدن	جننا	زائیدن	زائیدن	زائیدن	زائیدن	زائیدن	زائیدن	زائیدن	زائیدن
زاریدن	رونا	زاریدن	زاریدن	زاریدن	زاریدن	زاریدن	زاریدن	زاریدن	زاریدن
زورن	مارنا	زورن	زورن	زورن	زورن	زورن	زورن	زورن	زورن
زودون	صیقکل	زودون	زودون	زودون	زودون	زودون	زودون	زودون	زودون
زئیدن	جننا		زئیدن						

[illegible]

[illegible]

لائیڈن	شور کرنا بہرہ دینا	لائیڈ	می لائیڈ	بلائے	لائیڈہ
لائیڈن	فضول کرنا	لائیڈ	می لائیڈ	بلاٹ	لائیڈہ
لرزیدن	کانپنا	لرزیدن	لرزیدن	لرزیدن	لرزیدن
لغزیدن	بھسلنا	لغزیدن	لغزیدن	لغزیدن	لغزیدن
لیسیدن	چاٹنا	لیسیدن	لیسیدن	لیسیدن	لیسیدن

مالیدن	لنا	مالش	مالید می کرد	مالان	مالند	مالان	مالیده
--------	-----	------	--------------	-------	-------	-------	--------

[illegible]

واخیردن	واخیرد	واخیرد	واخیرد	واخیرد	واخیرد
ورزیدن	ورزید	ورزید	ورزید	ورزید	ورزید
ورغلانیدن	ورغلانید	ورغلانید	ورغلانید	ورغلانید	ورغلانید
ورزیدن	ورزید	ورزید	ورزید	ورزید	ورزید

هراپیدن	ژرنا	پرسی	هرمانینه	هرسید	هرس	هرشده	هرسان	هرسید
هشتین	چهرژنا		هشت					هشته
پلیدین	چهرژنا	پید	ی	پل	پل	پلنده		پید

یاسین	سنا	یلان	یسوسته	سی یار				یا سته
یافزون	ن		یافت	سی یار	پایه	پایه	پایه	پایه

444

۱۹۱۵۵۵
۶۲۹۲

PKLY

صفحة ١٤

[illegible]

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-books and **10 Paise** per volume per day for general books kept over - due.

